



۲۰۱۹/۰۸/۰۷

م. اسحاق نگارگر

گنجشکِ ناگرفته پیسه ره پنج تا!



من به مردم خدمت میکنم اما در مقام دلخواه خود!

تاریخ طبری از قول ابوموسی اشعری حکایت میکند که دوتن از وابستگان ابوموسی اشعری به حضور نبی کریم (ص) می رسند و یکی از آندو از حضرت رسول تقاضای ولایت می کند و او در پاسخش میگوید:

«ما هیچ مقام را به چنان شخص نمی دهیم که او خود خواهان آن مقام است»

حضرت نبی کریم (ص) با این گفته به او می فهماند که حکومت اشخاص را به فرمان ضرورت جامعه و کفایت کاری اشخاص به وظیفه می گمارد ولی آن که خود می خواهد وظیفه ای را اشغال کند ممکن است انگیزه اش جاه طلبی باشد و به حکم همین جاه طلبی خود را برتر از دیگران ببیند و شغل را بدون کفایت لازم اشغال و به وسیله رسیدن به آرزوهای خود بدل کند.

این روزگار ما عجب روزگاری شده است که در آن مردم نه تحصیل خود را در نظر می گیرند نه رابطه تحصیل خود را با مقامی که می خواهند تشخیص میدهند و به خاطر نفوذ و اقتدار خود و یا به دلیل اینکه در میان قوم خود برخوردار از اعتبار استند بر مقامی انگشت انتخاب میگذارند و حتی آنرا شرط پیوستن خود به این یا آن به اصطلاح تکت انتخابی می سازند.

فرض ما همه بر این است که احزاب سیاسی که از نوعی دسپلین حزبی برخوردار استند و با افرادی که به طور نسبی وحدت عقیده دارند و میخواهند جامعه خود را به مقتضای هدفی که دارند در جهتی که می خواهند سوق بدهند تکیه دارند. در جزیان هژده سال گذشته دو رئیس جمهور که بر کرسی اقتدار نشستند از حزب و مبارزه حزبی می ترسیدند و حتی تشکل احزاب سیاسی را بر ضد منافع ملی انگاشتند و در صدد متحدان موقت و مذبذب افتادند و بی صلاحیت ترین اشخاص را در بالاترین مقامات گماشتند و چون هدف ثروت اندوزی بود زمین های مردم و دولت از جانب این مقامات اشغال و بلند منزل ها اعمار شد و حتی کشت مواد مخدر نیز مجاز گردید.

وقتی یک فرد صلاحیت اجرائی کاری را که میکند ندارد؛ رندان کار گشته و بقول آقای امان اشکریز میرزا قلم هایی که مار خورده اند و به ازدها بدل شده اند به کرسی نشستن این آمران نا آشنا با کار را جشن میگیرند و نتیجه این که رشوت حق پدر و میراث ماموران میشود و آمر بی تجربه بنده بی دخل است گفته هرچه را جلوش نهادند امضاء میکند. اما چون احزاب سیاسی با هویت مستقل حزبی عملاً وجود ندارد تیمهای به اصطلاح انتخاباتی به نامهای اِکس؛ وای و زیت تشکیل میشوند و یگانه معیار تشکیل مقامهای معاونیت ریاست جمهور و مقام رئیس اجرائیه است که خود بدترین بدعت حکومت به اصطلاح وحدت ملی بود.

اکنون این تیم ها غیر از توسعه بدون لزوم بیروکراسی کاری دیگر ندارند. امریکا پنجاه ایالت دارد ولی کارش با یک معاون رئیس جمهور به سامان است ولی در کشور ما که ممکن به اندازه یک ایالت امریکا باشد رئیس جمهور دو معاون دارد و بیش از چهل پنجاه مشاور و باز رئیس اجرائیه نیز دو معاون دارد و چندین مشاور و باز هر معاون چندین مشاور و بهمین ترتیب پایین بیایید که هر وزیر نیز چندین سخنگو دارد.

یکی هم به این مردم بیچاره که از صبح تا شام برای یک لقمه نان جان می کنند و نیم آن یک لقمه نان را هم دولت برای خاصه خرجی های خود از آنان تکس می گیرد و پولک شان را در کام نهنگ بیروکراسی می ریزد نمی گوید که این همه پول را از کدام مدرک می پردازد. اگر باز هم همین گونه دولت سازی می کنید که عدمش صد بار بهتر از وجودش است. اگر کمک های خارجی قطع شد که من امیدوارم هرچه زودتر قطع شود این دریای نیل را که هر روز یک عروس آراسته و زیبا را فرو می بلعد از کدام منبع عاید داخلی تأمین می کنند؟ از منبع عواید داخلی یعنی جیب مردم آری «مُنذی به لالا و هی کُچ (مسکه) به عبدالله و هی!»

آوازه ها میروساند که در یکی از این تیم ها گفته می شود که مقام صدارت را برای یک فرد تضمین و عکسش را نیز در پوسترهای انتخاباتی الصاق کنند. حالا معلوم نیست که آن تیم به آرزوی خود میرسد یا نه ولی تشریفات و پخش عکسهای رنگه خود نیز از لوازم نشئه قدرت است و همین جاست که آدم بیاد آن شکارچی می افتد که پنج دانه گنجشک نا گرفته را بیک پیسه میفروخت. بیچاره مردم افغانستان که همانند بیدل رفیق وحشت شان غیر از داغ دل نیست. آری:

رفیق وحشت من غیر داغ دل نمی باشد

درین غربت سرا خورشید تنها گرد را مانم

فاعتبروا یا اولی الابصار نگارگردوم آگست ۲۰۱۹ برمنگهم

**** * ****

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که سروده ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، میتوانند با اجرای "کلیک"ی بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

گنجشک ناگرفته پیسه ره پنج تا!

[i_negargar_۰۶_gonjeshk_haay_naagrefta.pdf](#)